رویکردی تحلیل محتوایی به کتاب بندر عباس و خلیج فارس اثر محمدعلی خان سدیدالسلطنه(کبابی)

محمدعثمانی*

تاریخ دریافت:۹۴/۱۲/۲۲
تاریخ پذیرش:۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

کتاب بندرعباس و خلیج فارس نگارش محمدعلی خان سدیدالسلطنه کبابی، از جمله نوشته های حایز اهمیت درباره ی استان هرمزگان است. این کتاب که در زمان مأموریت های اداری و کارگزاری سدیدالسلطنه نوشته شده است؛ بدان سبب مهم تلقی می شودکه وی با علم به عدم توجه حکومت مرکزی بدین ایالت، سعی می کند اطلاعات گرانبهایی را در مورد آن ارائه کند. این داده ها که محصول مشاهده ها و تحقیق های نگارنده است، جوانب گوناگونی از اقتصاد، جغذافیا، تاریخ و فرهنگ این سرزمین را مورد توجه قرار می دهد . در این مقاله با رویکرد تحلیل محتوا، تنها بخش اقتصادی از جلد اول این کتاب مورد بررسی قرار می گیرد؛ زیرا داده هاو اطلاعات اقتصادی ارائه شده در این کتاب گواه بر استقلال و خودکفایی این ولایت در زمان نویسنده است.جغرافیای جغرافیای سرزمینیِ متنوع این ایالت که از یک سو آب های آزاد است و از سوی دیگر خشکی با پهنه ای جلگه ای، کوهستانی و بیابانی، موقعیت خاصی بدان بخشیده است. در کنار دریا و تجارت آبی، خشکی و کشاورزی نیز عاملی برای اشتغال و کسب درآمد به شمار می رود. در نتیجه حکومت مرکزی از مالیات های آن سود می برد. نویسنده با ارائه ی این اطلاعات به بیا موقعیت استراتژیک و اقتصادی این منطقه می پردازد و حکومت مرکزی را نسبت به موقعیت این خطه که از آن غافل شده بود؛ آگاه می سازد.

واژه‌های کلیدی: ایالت، کشاورزی، تجارت دریایی، مالیات، سدیدالسلطنه

*کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی قشم و پیام نور بندرعباس

مقدمه

متن پدیداری خاموش نیست، بلکه چون به نوشتار درآید، در درون خود حامل پیام‌ها و داده‌هایی است که بازیافت و فهم آن از زاویه‌ی ذهنیت خواننده امکان پذیر است. از این رو می‌توان با رویکردهای روشی گوناگون، متن را به سخن وا داشت. روش، خواننده را در تقابل با متن، قرار می‌دهد تا آن را بهتر دریابد. «کتاب بندر عباس و خلیج فارس نوشته‌ی محمد علی خان سدید السلطنه (کبابی» از آن جهت که امکانات و توانایی‌های طبیعی و انسانی را توصیف می‌کند، متنی است حایز اهمیت که در بین سال‌های 1324 تا 1329 ش به نگارش در آمده است. در این دوران دولت مرکزی توجه چندانی بدین منطقه جغرافیایی نداشته است.

از این رو نویسنده برای اینکه اهمیت این ایالت را از جوانب مختلف به دولت مرکزی نشان دهد، به نگارش این کتاب پرداخته است. بی شک سدید السلطنه برای نشان دادن ارزش این ولایت و جلب توجه دیگران، به مسایل مهم و کلیدی اشاره کرده است. درنتیجه فهم این داده‌ها می‌تواند جایگاه و موقعیت این ایالت را که در آن برهه از زمان مورد غفلت قرار گرفته بود، آشکار سازد. در این راستا به خوانش متن از زاویه‌ی روش شناسی تحلیل محتوا پرداخته می‌شود.

محمد علی سدید السلطنه کبابی، فرزند حاج احمد خان سرتیپ کبابی بندرعباسی، در 23 رجب 1291ه. ق برابر با 1249ه. ش در بغداد به دنیا آمد. وی در مدت هفتاد و یک سال عمر خود به امور دیوانی و دولتی، مسافرت‌های تحقیقی در مسائل مختلف خلیج فارس؛ به ویژه جغرافیای تاریخی بندرها و جزایر آن مشغول بود. از جمله خدماتی که مرحوم سدید بدان پرداخته است؛ فتح بندر لنگه و طرد محمد بن خلیفه در 1316 ه.ق، ریاست تذکره‌ی خلیج فارس در 1317 ه.ق، کفالت و کارگزاری بنادر در 1318 ه.ق، کارگزاری دولت روسیه در بندر لنگه، وکالت کنسولگری روسیه در بندر عباس، معاونت بندرلنگه و امثال آنها را می‌توان برشمرد. وی همچنین نشان‌های بسیاری از حکومت‌های مختلف دریافت نموده است از جمله: پالتو شمسه مرصع، نشان تمثال مظفرالدین شاه قاجار از دولت ایران، نشان سنت آنا از دولت روسیه و نشان پالم آکادمیک از دولت فرانسه. وی پس از عمری کوشش علمی و خدماتی در یازده رجب 1326 ه.ق مطابق با چهارده مرداد 1320 ه.ش در بندر عباس درگذشت. این زندگی نامه‌ی مختصر خود گویای جایگاه و موقعیت مرحوم سدید السلطنه کبابی در ایالت بندر عباس است.

هدف از تحلیل محتوای متن شناسایی اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و تمایلات متن یا نویسنده است. به عبارتی در تحلیل محتوا، شناخت ناخودآگاه متن ملاک قرار می‌گیرد. برای این کار متن مورد نظر باید به صورت دقیق مورد تجزیه، تحلیل و تفسیر قرار بگیرد. در رهیافت تحلیل محتوا رویکردهای گوناگونی وجود دارد؛ توصیفی، استنباطی و ارتباطی سه رویکرد مختلف در این روش شناسی هستند. در این مقاله بر مبنای روش توصیفی، به توصیف کمی محتوای بارز متن پرداخته می‌شود. این بررسی هم توصیف نحوی (سبک و ساختار) و هم مفهوم شناسی یا تحلیل موضوعی یک متن را در بر می‌گیرد (اتسلندر، 1371: 69).

در این مسیر چند گام مهم دیده می‌شود. پس از خواندن متن در مرحله‌ی اول یک تعبیر و تفسیر کلی در مورد کل متن و ارتباط آن با پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شود. این رویکرد در اکثر پژوهش‌ها حتی در سطح کمی صورت می‌گیرد. این کار اولین مرحله‌ی تحلیل داده‌ها است؛ سپس در مرحله‌ی دوم تحلیل دقیق تر هر پاسخی (هر جمله ای) را جداگانه آغاز می‌کنیم. بدین منظور، بایستی واژه‌های مهم متن شناسایی شوند تا روح حاکم بر متن دریافت شود. در واقع تحلیل دقیق این لغات و واژه‌های کاربردی، اندیشه‌ی اصلی نویسنده متن را نشان می‌دهد. در مرحله‌ی سوم پس از جمع آوری واژه‌ها (اعم از ساده یا مرکب) دسته بندی کردن و شمارش آنها صورت می‌

گیرد. این فرآیند بایستی جدای از متن صورت انجام شود. آنگاه با طی این مسیر، تفکر و نگاه حاکم بر متن نمایان می شود. در واقع فرهنگ و روح واقعی متن در این واژه‌ها شناخته می‌شود. ذکر این مطلب لازم است که نباید تعریفی مطابق با تعریف پژوهشگر از واژه-ها ارائه شود، بلکه با شناخت بسترها و زمینه‌ی متن، اقدام به بازخوانی متن صورت می‌گیرد (هولستی،1380: 3). در این صورت در مقام اول تعریفی ناهماهنگ با تاریخ متن بر آن تحمیل نمی‌شود و در مقام دوم متن در بستر تاریخی خود خوانش می‌شود. در این رهیافت، دخالت ذهن پژوهشگر به حداقل می‌رسد. در تحلیل محتوای متن باید دقت داشت که سه شرط عینیت، انتظام و عمومیت بر فرآیند تحقیق حاکم است؛ یعنی داده‌های آشکار نه داده‌های پنهان موجود در متن مورد توجه قرار گیرند و متن به مثابه‌ی یک کل منسجم و مرتبط باهم دیده شود. روش تحقیق باید تمام متن را تحت پوشش، تجزیه و تحلیل خود قرار دهد (کلوس کریپندرو،1382: 52).

روش تحلیل محتوا به راحتی متون قدیمی را در بستر رویارویی خواننده و متن قرار می‌دهد و داده‌هایی که در سده‌ها و دهه‌های گذشته ارائه شده است را برای امروز بررسی می‌کند؛ یعنی روش تحلیل محتوا می‌تواند در هر پرسشی از متن، محقق را به پاسخ درخور زمانه‌ی خود برساند. رمزگشایی از متون و نیز در کنار هم قرار دادن داده‌ها برای فهم کلیت منسجم متن، از ویژگی‌های روش تحلیل محتوا است. حال با توجه به این روش کتاب «بندر عباس و خلیج فارس (اعلام الناس فی احوال بندر عباس) تألیف محمد علی سدید السلطنه کبابی» تحلیل و بررسی می‌شود.

نویسنده در ابتدای کتاب به این نکته اشاره کرده که «ایالت بندرعباس از چشم دولت مرکزی مغفول شده است.» حال با نگارش این کتاب، دولتمردان ایرانی وقت را به اهمیت این ایالت از جوانب مختلف آگاه می‌سازد. از این رو با توجه به ضرورتی که نگارش این کتاب برای نویسنده داشته است، اطلاعات و داده‌های گرانبهایی از بندرعباس، شهرها و روستاهای آن ارائه می‌دهد. امروزه استان هرمزگان که در قدیم به ایالت بندرعباس شناخته می‌شد از نظر اقتصادی، استراتژیک، نظامی و ارتباط با آب‌های بین المللی بسیار مهم به شمار می‌رفت و پس از فتح آن در عصر صفویه اهمیت قابل توجهی یافت، امّا پس از مرگ شاه عباس اول تا روزگار نویسنده چندان توجهی به این منطقه نشد. علت این بی توجهی را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد.:

1- وجود استان خوزستان با منابع سرشار نفتی2 - حاکمیت یکپارچه‌ی خوزستان به ریاست شیخ خزعل 3- امنیت از یک سو و گرایش به دولت مرکزی از سوی دیگر 4- توجه دولت‌های استعماری چون بریتانیا به منابع نفتی 5- از زمان قدرتمند شدن شیخ جابر کعبی (پدر شیخ خزعل) در این منطقه، خرمشهر(المحمره) به بندری اقتصادی برای واردات و صادرات تبدیل شد و مالیات‌های کلانی را برای دولت مرکزی به ارمغان آورد. براین اساس دولت مرکزی در عصر قاجار

تمام توجه خود را به ایالت خوزستان در جنوب کشور معطوف داشت (انعام مهدی علی السلمان، 2000: 25).

ناآگاهی دولتمردان وقت ایرانی از منابع و موقعیت ایالت بندر عباس و نیز بی درایتی در اداره‌ی کشور، مرحوم سدید السلطنه را بر آن داشت تا این کتاب را در دو جلد بنویسد. در جلد اول به معرفی استان از لحاظ جغرافیایی، شهرها و روستاها، امکانات اقتصادی (منابع کشاورزی، معادن و..) پرداخته است. در جلد دوم بر مبنای نگرشی تاریخی، احوال مردمان آن دیار را ثبت کرده است. در این مقاله سعی شده است جلد اول از این نوشته تحلیل شود. پرسش اصلی این است که اهمیت بندرعباس از نظر امکانات و توانایی‌ها در جوانب مختلف مطرح در این نوشتار به چه صورت بوده است؟ بی شک این ایالت به دلیل وضعیت جغرافیایی مختلف؛ صحرایی و کوهستانی از یک سو و نیز مجاورت با دریا و اتصال به آب‌های آزاد از سوی دیگر، شرایطی خاص و ویژه داشته است (محمدعلی سدید السلطنه، 1342: 15)

1- ساختار سیاسی و اداری ایالت

در عصر قاجاریه کشور براساس تقسیمات ایالتی دولت مرکزی و مأموران آنها اداره می‌شد. در هنگام تدوین قانون اساسی در عصرمشروطه ساختار ایالتی در قانون گنجانده شد با این تفاوت که انجمن ایالتی و ولایتی اداره امور را در اختیار داشت.

در ایالت بندرعباس ساخت قدرت به دو بخش تقسیم می‌شد. بخش اول اداره‌ی امور توسط حکومت مرکزی بود. شش منطقه محال، شمیلات، حسن لنگی، شیخ آباد، بیابان و بلوچی به وسیله‌ی کارگزار حکومت مرکزی اداره می‌شد. بخش‌های خمیر، میناب، قشم، هنگام، لارک و هرمز نیز توسط معین التجار با اجاره‌ی آن از شاه و حکومت مرکزی در قبال اعطای اجاره بهاء مدیریت می‌شد. مهمترین وظیفه‌ی کارگزار حکومتی جمع آوری مالیات‌ها و تأمین امنیت ایالت بوده است؛ اما معین التجار با پرداخت سالیانه 18 هزار تومان اجاره بهاء به حکومت مرکزی اداره‌ی امور، عواید و فواید حاصل از آن منطقه را در اختیار می‌گرفت. معین التجار می‌بایست فرمان‌های دولت مرکزی را از طریق کارگزار حکومتی، در بخش تحت تصرف خود اعمال نماید. در عصر ناصرالدین شاه قاجار، حاج احمد خان مینابی (پدر مؤلف) به کارگزاری ایالت بندرعباس منصوب می‌شود و در دوره‌ی مظفر الدین شاه چون کارها را به خوبی انجام می‌داد، مفتخر به کسب لقب سدید السلطنه می‌شود (سدید السلطنه، 1342: 2).

«شیخ محمد بن عبدالله در قبال هزار تومان، خمیر را اجاره نموده است. شیخ حسن قشمی نیز با اعطای سه هزار و پانصد تومان، قشم و پانصد تومان فروعات آن را اجاره کرده است. میناب نیز به کلانتری کربلایی محمد حسن به اجاره‌ی حاج شهریار در آمده است. وی پانزده هزار تومان بابت اجاره و ششصد تومان مواجب کلانتری پرداخت می‌نموده است» (همان: 4)

نکته‌ی حایز اهمیت در این شیوه‌ی اداره‌ی امور، کسب درآمد و سود از اجاره‌ی مناطق است، یعنی افرادی که اقدام به اجاره‌ی مناطق مختلف می‌نمودند از منابع در آمدی آن آگاه بودند. در نتیجه

با هدف کسب سود از منابع مالی آن (کشاورزی دامداری، معادن و...) به سرمایه گذاری می‌پرداختند. همچنین اجاره‌ی مناطق در آن دوره پیوند با قدرت مرکزی را هموارتر می‌ساخت. در نتیجه‌ی این ارتباط امکان اجاره‌ی مناطق بیشتر و بالطبع کسب سود و درآمد بیشتر فراهم می‌شد. از آنجایی که ساختار اجتماعی حاکم بر کشور در آن زمان ساختار ارباب و رعیتی بود؛ توسعه زمین با منابع بالای درآمدی، برای خوانین بسیار مهم به شمار می‌رفته است. هر چقدر مرزهای سرزمینی خانواده‌های اربابی بیشتر می‌شد، قدرت اعمال نفوذ آنها نیز در دولت مرکزی بیشتر می‌شده است. به همین سبب خانواده‌های قدیمی با نفوذ در منطقه از زمین‌های حاصلخیز زیادی بهره مند هستند (فرهاد نعمانی،1385: 18).

2-امکانات و منابع مالی ایالت بندر عباس

در ساختار ایالتی، اصل بر خود کفایی ایالت است؛ یعنی مردمان آن، منابع درآمدی خود را از امکانات موجود تأمین نمایند و در قبال این درآمد باید به دولت مرکزی مالیات پرداخت کنند. مالیات، منبع مالی درآمد دولت مرکزی و کارگزاران آن است. هر چقدر ایالت از ثروت‌های خدادادی و امکانات مالی بیشتری بهره مند باشد، میزان توجه دولت مرکزی به آن مناطق نیز بیشتر می‌شود، زیرا مالیات بیشتری پرداخت می‌شود. همچنین نظام فئودالی برای ورود به درون ساخت قدرت و اعمال نفوذ، حمایت مالی بیشتری از دربار انجام می‌داده است.

ایالت بندرعباس در چارچوب ساختار سیاسی و اقتصادی برای دولت مرکزی ناشناخته بوده در نتیجه چندان مورد توجه قرار نگرفته است. نگارنده‌ی این کتاب با هدف آگاه سازی کارگزارن حکومت مرکزی نسبت به موقعیت حساس جغرافیایی و منابع مالی بندرعباس و خلیج فارس، به معرفی آن پرداخته است. در نتیجه با این پیش فرض که اهمیت این ایالت را جلوه دهد به نگارش این کتاب پرداخته است. موقعیت جغرافیایی ویژه‌ی این ایالت از یک سو به دریا و از سوی دیگر به وسیله‌ی خشکی احاطه شده است. همچنین سرزمین خشکی آن که از بیابان، جلگه وکوهستان تشکیل شده و جزایری که اطراف آن را آب فرا گرفته، موقعیت استراتژیکی به این منطقه بخشیده است. در نتیجه در گام اول برای تعبیر و تفسیر کلی این متن چنین باید گفت، ایالت بندرعباس با تنوع سرزمینی عامل کسب ثروت برای کارگزاران و دولت مرکزی بوده، راه ورود و خروج کالا از این بندرگاه بوده است. همچنین وجود جزایر درمناطق مختلف آن سلطه‌ی بر خلیج فارس را از آن ایران ساخته، در نتیجه انگلستان نیز برای کنترل آبراه خلیج فارس مناطقی را از ایران اجاره کرده است. این نگرش کلی به این ایالت اهمیت آن را برای ما بازگو می‌نماید (فرهاد نعمانی،1385: 25_ 30).

حال با رویکرد جزئی نگر به مناطق مختلف این ایالت، روند مدنظر را پیش می‌گیریم. یکی از منابع درآمدی این ایالت گل سرخ بوده، این گل در نوع خود بی نظیر است. در جزیره‌ی هرمز کاشت

این گل و حمل آن از طریق دریا به نواحی‌ای چون کلکته منابع درآمدی سرشاری برای اهالی و کارگزارانی مانند معین التجار و کشورهای خارجی چون آلمان و ژاپن به همراه داشته است. «برای هر صد گونی گل سرخ 25 قران کرایه دریافت می‌شود. هر سال نیز تقریباً سیزده هزار تن که معادل 260 هزار گونی به هند و فرنگستان فرستاده می‌شود.» در سال 1314ش معین التجار منطقه برای ده سال عایدات گل سرخ را از حکومت مرکزی اجاره کرده است. این ایالت مملو از معادن نمک است. «نمک به دو صورت در این مناطق یافت می‌شود؛ یا به صورت سنگ از دل کوه استخراج می‌شود که شبیه سنگ مرمر صاف و سفید است؛ دیگری از طریق آب باران و دریا است. در خمیر وگچین نمک به وفور وجود دارد که هر من پنج یا هشت قران به فروش می‌رسد. هند وارد کننده‌ی اصلی نمک این منطقه است» (همان:40-45)

«در منطقه‌ی گچین خمیر، گچ وجود دارد که از کوه استخراج و در کوره‌ها پخته سپس به عمان، بحرین، بندر لنگه و بندرعباس و قشم فرستاده می‌شود. چهارده کوره‌ی پخت گچ در این منطقه وجود دارد. هر من را مردمان منطقه به 2 تومان می‌فروشند. عبور سیم تلگراف از مناطقی چون قشم، هنگام و بلوچی عوایدی را برای اهالی به همراه داشته است. برای عبور سیم از دریا کارگران محلی مشغول به کار بوده، برای حفاظت از سیم انگلیسی‌ها پنجاه سپاهی در این منطقه ساکن ساخته است که در قرار داد با حکومت مرکز بابت هر فرد مبلغی را به دولت می‌دهد. خدمات تلگراف خانه نیز در آمدی را برای اهالی به همراه می‌آورد» (همان:50-55)

بندرگاه‌ها از زمان‌های گذشته از منابع درآمدی حکومت‌ها به شمار می‌آمدند. رئیس گمرک را به عنوان «گمرگ شاه» ملقب می‌ساختند. ورود و خروج کالا و مسافر عوارض گمرکی داشته است. به هر میزان که بندر رونق داشته باشد به همان میزان عواید درآمدی بیشتر خواهد بود. ریاست گمرک، کارگزار رسمی حکومت مرکزی به شمار می‌آمد. درآمد سالیانه گمرک‌های میناب نهصد تومان و خمیر 125 تومان بوده است. در شهر بندری خمیر انبارهایی وجود داشته که کالاهای ورودی و خروجی در آن انباشته می‌شده است. این انبارها در پیوست اداره‌ی گمرک بوده و عواید آن را در اختیار داشته است. علاوه بر گمرک، حکومت مرکزی از صاحبان مشاغل نیز مالیات‌هایی دریافت می‌کرد. به عنوان مثال در قشم، لارک، هنگام، میناب و بلوچی که صید ماهی متداول بوده بابت هر کشتی صیادی 2 قران مالیات پرداخت می‌شده است (همان:85-88).

در کنار مالیات مشاغل، هر منطقه بر اساس جمعیت به حکومت مرکزی مالیات پرداخت می‌کرد. این در آمد صرف هزینه‌ی حکومت مرکزی و کارگزاران محلی آن می‌شد. به طور مثال میناب سالی دوازده هزار تومان مالیات به حکومت مرکزی پرداخت می‌کرد.

در این منطقه املاک خالصه‌ی دولتی وجود داشته که از آن حکومت بوده است. این املاک در بهترین موقعیت‌ها قرار داشته و حاصلخیزترین زمین‌ها را در بر می‌گرفته است. حکومت مرکزی این املاک را به خان‌های بزرگ اجاره می‌دادند تا در کنار عمران و

آبادانی آنها، عوایدی نیز کسب نمایند. حسن لنگی که منطقه‌ای جلگه‌ای و حاصلخیز است، از املاک خالصه‌ی دولتی بوده است و کشاورزی و نخلستان‌های انبوهی در آن وجود دارد. حکومت مرکزی با اجاره‌ی آن به خان‌های بزرگ منطقه توسعه‌ی آن را رقم می‌زده است. فئودال‌ها با اجاره‌ی زمین‌ها به سرمایه گذاری می‌پرداختند و به جای کسب سود و ثروت چند برابر، عمران و آبادانی آن منطقه را در دستور کار خود قرار می‌دادند. رعیت به دلیل فقدان قدرت مالی قادر به سرمایه گذاری در این مناطق نبودند. درنتیجه با کار بر زمین‌های اربابی درآمدی برای خود کسب می‌کردند. در نظام فئودالی، ارباب، رعیت و زمین سه ضلع متصل یک مثلث به شمار می‌آیند؛ عمران و آبادانی زمین توسط رعیت، تنها در سایه‌ی حمایت ارباب از او ممکن می‌شود.

در بخش نخلستان‌ها قاعده‌ی «غارسی» حکم فرما بوده است. قاعده‌ی غارسی؛ یعنی رعیت و دولت مرکزی در نخلستان‌ها با هم شریک هستند. محصول خرما به صورت نصف در میان حکومت و رعیت تقسیم می‌شود، امّا زحمت و مخارج نخلستان بر عهده‌ی رعیت خواهد بود. در زمان تقسیم نخلستان نیز ربع آن با آب و زمین از آن رعیت و باقی از آن حکومت مرکزی است (فرهاد نعمانی،1385: 90_93).

کشاورزی قطب دیگر درآمد زایی این ایالت به شمار می‌رود. در بخش‌های جلگه‌ای و کوهستانی این ایالت امکان کشاورزی وجود دارد. در اغلب مناطق به جز بخش بیابانی زراعت صورت می‌گیرد. جو، گندم، مرکبات، حبوبات، پیاز، ماش، تنباکو و در مناطقی تریاک کشت می‌شده است. نخلستان‌های فراوانی در این مناطق هست. به دلیل آب و هوای گرم و مرطوب انواع خرما به ثمر می‌نشینند. در کتاب فهرستی از نام‌های محلی خرما ذکر شده، این محصول چه از آن ارباب بوده و یا به صورت غارسی، مالیات‌هایی بر آن نهاده می‌شده است.

صید انواع ماهی ـ که نویسنده نام محلی آنها را ذکر می‌کند ـ علاوه بر اینکه شغلی به شمارمی‌آمده، مشمول مالیات نیز می‌شده است (همان:112-115).

با توجه به منابع درآمد زایی این ایالت و با وجود خود کفایی، صدور کالا و خدمات به کشورهای دیگر نیز صورت می‌گرفت. سواحل نشینان همیشه تجارت با خارجی‌ها را در دستور کار خود قرار می‌دادند. سرزمین‌های حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس و هند عمده مناطق داد و ستد تجاری با ایالت بندرعباس بوده است. حضور انگلیسی‌ها در منطقه‌ی باسعیدوی قشم برای تأمین امنیت و دیدبانی دریایی، موقعیت استراتژیک و سلطه بر دریا را برای این ایالت به همراه داشته است. عبور سیم تلگراف از ته دریای خلیج فارس به درون کشور، اهمیت دروازه‌ی ورودی آب‌های آزاد و عرصه‌ی سرزمینی را نشان می‌دهد.

در نگاهی کلی بر وضعیت اقتصادی و توانایی‌های این ایالت، سدید السلطنه کبابی آمارهایی ارائه می‌دهد که نشان از رونق کسب و کار و تجارت در این منطقه دارد. مالیات سال 1328ه.ق میناب پانزده هزار تومان؛ قشم سه هزار تومان. الاغ بارکش که به فروش می‌رسد، فروشنده و خریدار هر کدام باید یک قران مالیات دهند.

این مرکب در منطقه‌ی تجاری که صادرات و واردات در آن رونق دارد، بسیار قیمتی به حساب می‌آمده است. ماهی شور و متوتا، حرا و خرما که در کنار دریا برای ارسال به خارج از کشور آماده شده است، از هر صد من دو قران اخذ می‌شود. وجود بازار با اصناف گوناگون در مناطق بندرعباس، میناب و قشم از دیگر آمار مورد استناد نویسنده است. در سال 1327 ه.ق واردات و صادرات با کشورهای آلمان، بلژیک، فرانسه و هلند صورت گرفته که آمار دقیق آن در قسمت اداره گمرکات کتاب ذکر شده است (فرهاد نعمانی،1385: 165).

ایالت بندرعباس- در زمان مأموریت نویسنده‌ی کتاب که مشاهدات خود را در آن به نگارش در آورده- به دلیل اقلیم متنوع جغرافیایی در شرایط ویژه‌ای قرار دارد که رونق کسب و کار در آن به طور همیشگی متداول بوده است. اگر بعضی از ایالت‌ها از منابع خدادادی بهره‌ی فراوان داشتند؛ در بندرعباس تجارت عامل اصلی درآمد زایی بوده است؛ امّا به دلیل بی توجهی حکومت مرکزی از فقر و محرومیت رنج می‌برده است.

4- نتیجه تحلیل محتوای داده‌ها

سدید السلطنه کبابی نویسنده‌ی کتاب «بندر عباس و خلیج فارس» در دیباچه می‌نویسد:

« چون کارگزاران دولت به درجه‌ای صرف نظر از بنادر خلیج فارس کرده که آن ناحیه وسیع را گویا خارج از خریطه‌ی ایران شمرده و دروازه‌ی جنوب ممالک خود را بدون حافظ و مراقب گذاشته و سبب آن همه تغافل، مباعدت این حدود از مرکز به نظر آمد. این است که بر خود واجب یافته اطلاعات خود را در احوال آن دیار که حاصل ایام مأموریت متعاقبه و اسفار متوالیه در آن نقاط است و آنها را نزد خود پریشان داشته‌ام، جمع و لباس تدوین پوشانیده و به نظر اولیای امور خود رسانیده، شاید انتباه یابند و بیدار شوند و توجه خود را به این صوبه معطوف سازند و چون اهمیت بندرعباس بیشتر از نقاط دیگر بود، ابتدا به نگارش حال آن دیار نمود.» (همان:2)

از این پاره چنین بر می‌آید که نویسند به منظور شناساندن امکانات و توانایی‌های ایالت بندر عباس به نگارش این کتاب پرداخته است. وی که مشاهدات خود را با نگرش تحقیقی در باب این سرزمین ثبت نموده است، جوانب مختلف را مورد بررسی و اشاره قرار می‌دهد. نکته‌ی حایز اهمیت در این کتاب بخش توانایی‌های اقتصادی و مالی این ایالت برای حکومت مرکزی است؛ زیرا به عقیده‌ی نویسنده دوری از مرکز کشور عامل اصلی تغافل نسبت به این سرزمین است. در کنار این مسئله، فقدان جذابیت نیز می‌تواند عامل دیگر بی-توجهی باشد؛ زیرا در صورت دقت، بعد مسافت شامل ایالت خوزستان هم می‌شده است، امّا به دلیل جذابیت آن بخش، حکومت مرکزی بدان توجه ویژه‌ی داشته است. در نتیجه به طور کلی عامل اقتصادی، عنصر اصلی توجه به ایالات از سوی حکومت مرکزی بوده است.

نویسنده در جلد اول ضمن معرفی بخش‌های مختلف این ایالت، توان اقتصادی و منابع درآمد زایی آنها را برای حکومت مرکزی مورد توجه قرار می‌دهد. معادن و تولیدهای آنها، زمین‌های کشاورزی و محصولات آن، صادرات و واردات از طریق دریا، مسافران دریایی و اراضی خالصه‌ی حکومتی در کنار مالیات‌ها، منبع درآمد حکومت در این بخش از سرزمین ایران به شمار می‌آمدند. علاوه بر آن بندرعباس همچون دروازه‌ی ورودی ایران تصور می‌شده ، سیم تلگرافی که از عمان به ایران آمده است از این نقطه‌ی ورودی ـ ایالت بندرعباس ـ می‌گذرد. همه‌ی این موارد و مواردی غیر از آن می‌تواند از جمله عوامل قدرت و توانایی مالی و اقتصادی این ایالت به شمار آید.

نظام ارباب - رعیتی حاکم در عصر قاجار، بهروری از این امکانات را برای حکومت مرکزی آسان ساخته بود؛ زیرا خانواده‌های بزرگ و خوانین محلی و غیر محلی در بخش‌های گوناگون این ایالت به سرمایه گذاری مبادرت ورزیدند. اجاره‌ی اراضی حاصلخیز دولتی، معادن و... درآمد دایمی‌ای را برای حکومت و اهالی به همراه می‌آورده است. نظام سلطنتی در تمام دنیا بر پایه‌ی اشرافیت استوار می‌شود. درنتیجه سرمایه و منابع مالی در اختیار اشراف است. سلطنت و اشراف عناصر هم پوشانی قدرت در ساختار سیاسی سلطنتی به شمار می‌روند. اشراف با حمایت مالی از سلطنت پایه‌های اقتصادی آن را تقویت می‌سازند، در مقابل شاه با اعطای منابع درآمدزایی به اشراف قدرت مالی و اقتصادی آنها را تأمین می‌کند. همچنین حاکمیت اشراف در مناطق مختلف عمران، آبادانی و اشتغال زایی را برای اهالی آن مناطق به همراه می‌آورد (آبراهامیان،1376: 16). با این نگرش در می‌یابیم که اجاره‌ی زمین‌های کشاورزی و منابع اقتصادی ایالت به اشراف، این ساختار را در بندرعباس نیز پیاده ساخته است. میزان اجاره بهای زمین‌ها و مالیات‌های ایالت خود نشانی از رونق اقتصادی این خطه است. نویسنده با اشاره به این نکات اهمیت این ایالت را به حکومت مرکزی تذکر می‌دهد.

کارگزاران حکومتی منطقه نیز تمام مواجب خود را از درآمدهای ایالت دریافت می‌کردند. این مسائل در کنار سایر امور نشان از خودکفایی و استقلال این ایالت دارد. مطالب کتاب سدید السلطنه تا آنجایی که مربوط به عصر خود اوست (یک صد سال گذشته)، حاصل مشاهدات شخصی است، امّا هنگامی که به تاریخ و گذشته‌ی این خطه می‌پردازد از آثار مورخان قرون گذشته استفاده می‌کند. او همچنین کتاب‌هایی را که هم عصرانش درباره‌ی خلیج فارس و سایر نواحی این خطه نوشته‌اند، مورد مطالعه قرار داده است و مطالب را به همان صورت در اثر خود نقل می‌کند. در بررسی این مطالب نیز اهمیت این ایالت از جوانب مختلف برای سیاحان، جغرافی دانان و... ذکر شده است. استناد به آنها ـ کتاب‌های پیشینیان ـ اهمیت داده‌های کتاب را دو چندان ساخته است. بی شک داشتن ایالتی خودکفا با منابع و امکانات فراوان، در کنار اتصال به آب‌های آزاد، باید اهمیت دو چندانی برای سران حکومتی داشته باشد. تزار روسیه با آرزوی رسیدن به این آب‌های آزاد، رونق اقتصادی وکسب موقعیت استراتژیک نظامی و سیاسی همواره به جنوب ایران می-

اندیشیده است. نزاع با بریتانیا بر سر دست یابی به جنوب ایران، خود نشان از موقعیت حایز اهمیت این منطقه دارد. سدید السلطنه در این نوشته به خوبی این اهمیت را به تصویر کشیده است.

منابع و مآخذ

ـ اتسلندر، پیتر (1371)، روش‌های تجربی تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی بیژن کاظم زاده، تهران: آستان قدس رضوی.

ـ هولستی، ال، ار (1380)، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه‌ی نادرسالارزاده امیری، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

-کرویپندرو، کلوس (1382)، تحلیل محتوا مبانی روش شناسی، ترجمه‌ی هوشنگ نایبی، تهران: نی.

ـ انعام مهدی علی السلمان (2000)، حکم الشیخ خزعل فی الاهواز (1897/ 1925)، بغداد: مکتبه دار الکندی.

- سدید السلطنه (کبابی)، محمدعلی (1342)، بندرعباس و خلیج فارس اعلام الناس فی الاحوال بندر عباس، تصحیح و مقدمه‌ی احمد اقتداری، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.

- آبراهامیان، یرواند (1376)، مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران، ترجمه‌ی سهیلا ترابی فارسانی، تهران: شیرازه.

- نعمانی، فرهاد (1358)، تکامل فئودالیسم در ایران، تهران: انتشارات خوارزمی.